

امنیت فضای مجازی و دفاع الکترونیکی

جلسه هفدهم

فصل سوم: احکام امنیت فضای مجازی

۹۵/۲/۹

فصل دوم: «امنیت فضای مجازی»

۲,۱. تعریف امنیت فضای مجازی

«حفاظت و مقاوم سازی دارایی های فضای مجازی در برابر تهدیدهای فضای مجازی»

۲,۲. تهدیدهای امنیتی فضای مجازی

فصل سوم: «احکام امنیت فضای مجازی»

۳,۱. سرقت سخت افزار :

حدّ سرقت تلفن همراه

بحث ما در باب حدّ سرقت این بود که سرقت تلفن همراه از جیب صاحب آن

شامل حکم قطع دست می شود یا نه؟

موثقه سكونى:

– عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أُتِيَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِطَرَّارٍ قَدْ طَرَّ دَرَاهِمَ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ
الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعْهُ وَإِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الدَّاحِلِ قَطَعْتُهُ.

أَتَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِطْرًا قَدْ طَرَّ دَرَاهِمَ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ
فَقَالَ إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعْهُ وَإِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الدَّخِلِ قَطَعْتُهُ

- به قرینه کلمه «الداخل» به معنای زیر و باطن، کلمه «الاعلی» به معنای رو است
(بنابر این معنای بالا در مقابل پایین (اسفل) در اینجا مراد نیست)

- احتمال اول:

- مفعول طَرَّ الدراهم است که به قرینه حذف شده + الاعلی و الداخل صفت قمیص
شرط برای قطع ید این است که باید دو پیراهن پوشیده باشد که از پیراهن زیرین
دزدی شده باشد

- در اینجا شکستن حرز بر زدن لباس زیرین یا جایی که پولها را در آن نگهداری
می کنند، تطبیق یافته است. (حرز کل شیء بحسبه)

أَتَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِطْرًا قَدْ طَرَّ دَرَاهِمَ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ
فَقَالَ إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ أَقْطَعْهُ وَإِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الدَّخِلِ قَطَعْتُهُ

- احتمال دوم:

- مفعول طَرَّ حذف نشده است+الداخل مفعول طَرَّ و صفت برای موصوف محذوف
- یعنی در صورتی قطع دست صورت می گیرد که از آستین یا جیب داخلی زده باشد
- نه از آستین یا جیب بیرونی

- پس معنای روایت این گونه می شود که اگر از روی لباسش زده باشد دستش را
قطع نمی کنم ولی اگر از داخل لباسش زده باشد دستش را قطع می کنم.

- خلاصه آن که طبق معنای اول معیار حکم به قطع دست لباس رویی و لباس زیری
است و طبق معنای دوم معیار حکم روی لباس و زیر لباس است.

- فرق معنای اول و دوم نیز در برخی فروض معلوم می شود: فرض کنید که فردی
کت پوشیده است حال اگر از جیب کت او تلفن همراهش را بدزدند، اگر تلفن
همراه درون جیب رویی کت باشد طبق معنای اول و دوم قطع ید جاری نیست ولی
اگر در جیب بغل درون کت باشد طبق معنای اول چون کت لباس رویی است قطع
ید جاری نیست و طبق معنای دوم چون از زیر لباس دزدیده شده قطع ید
جاریست.

و روایت دیگری که همین محتوا را با سندی ضعیف دارد، روایت مسمع ابی سیّار است:

— سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أُتِيَ بِطَرَّارٍ قَدْ طَرَّ مِنْ رَجُلٍ مِنْ رُذْنِهِ دَرَاهِمَ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَدْ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الْأَعْلَى لَمْ نَقْطَعْهُ وَإِنْ كَانَ طَرَّ مِنْ قَمِيصِهِ الْأَسْفَلَ قَطَعْنَاهُ.

— رُذْنُ به معنای دهانه یا جلوی آستین لباس است و برخی آن را به خود آستین معنا کرده‌اند. مجلسی اول (م. ۱۰۷۰) نقل کرده که به خط شیخ این روایت را دیده که به جای رذنه «ردائه» آورده و همو می‌گوید این نگاشت سهو قلم است. به قرینه روایت قبل، مراد از «الاعلی» و «الاسفل» بالا و پایین لباس نیست بلکه مراد زیر و روی لباس است. در زبان فارسی نیز گاهی دو کلمه بالا و پایین لباس به معنای رو و زیر لباس بکار می‌رود.

— در این روایت شرط قطع دست پاره کردن لباس پایینی یا زیرین یا ربودن از آنست. همان دو معنایی که در روایت قبل گفتیم در این روایت نیز محتمل است. یعنی محتمل است که معنا این باشد که دو لباس پوشیده اگر از لباس رویی باشد قطع ندارد و اگر از لباس زیرین باشد قطع دارد. معنای دوم این است که فرض یک لباس باشد که زیر و رو دارد اگر از (جیب) روی لباس باشد قطع ندارد و اگر از (جیب) زیر لباس باشد قطع دارد.

روایات مشابه این روایت در منابع دیگر آمده است:

– أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّ عَلِيًّا ع قَالَ: لَمَّا أَتَى بِطَرَارٍ طَرٍّ مِنْ كُمَّ رَجُلٍ دَنَانِيرٍ فَقَالَ إِنَّ كَانَ طَرٌّ مِنَ الْقَمِيصِ الْأَعْلَى فَلَا قَطْعَ عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ طَرٌّ مِنَ الدَّاخلِ قَطَعْنَاهُ. کتاب اشعثیات: این کتاب از نظر نسخه قابل اتکا نیست چون معلوم نشد که بین نسخه آمده از هند که اینک در دست ماست و نسخه نزد شیخ طوسی که او سند صحیحی بدان داشته این همانی وجود داشته باشد.

سند: عبدالله در سند نام فردی به نام ابن السقاء است که از فقهای شافعی و استاد ابن المغازلی (م. ۴۸۳) صاحب کتاب «مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب» است و محمد نیز منظور صاحب کتاب محمد بن محمد بن الاشعث است و موسی نام نوه امام موسی بن جعفر علیه السلام است و نام پدر او اسماعیل بن موسی است که یکی از فرزندان امام علیه السلام بوده و اسماعیل از پدرش یعنی امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده که او از جدش (یعنی جد اسماعیل که امام جعفر صادق علیه السلام است) نقل می کند.

دلالت: این حدیث بیشتر نزدیک به معنای اول است که «الاعلی» صفت «القمیص» است نه مفعول «طرّ» چون در فقره دوم احتمال مفعول بودن «الداخل» منتفی است.

نکته: در اینجا به جای «دراهم» «دنانیر» آمده که نشان می دهد دو واقعه بوده است.

– وَ قَالَ عَلِيٌّ ع لَا قَطْعَ فِي الدَّغَارَةِ الْمُغْلَنَةِ وَ هِيَ الْخُلْسَةُ وَ لَكِنِّي أُعَزِّرُهُ وَ لَكِن يُقَطَّعُ مَنْ يَأْخُذُ
وَ يُخْفِي وَ لَيْسَ عَلَى الَّذِي يَسْلُبُ الشِّيَابَ قَطْعٌ وَ لَيْسَ عَلَى الطَّرَارِ قَطْعٌ إِذَا طَرَّ مِنَ الْقَمِيصِ
الْأَعْلَى فَإِنْ طَرَّ مِنَ الْقَمِيصِ الْأَسْفَلِ فَعَلَيْهِ الْقَطْعُ

سند روایت مرسل است و این حدیث امکان هر دو احتمال در معنا را دارد، گرچه در اینجا
به دلیل سیاق و ترتیب کلمات و عدم اتصال ضمیر به «القميص» احتمال اول قوی تر است.

شیخ طوسی از این دو روایت معنای اول را برداشت کرده که اگر از لباس زیرین باشد (با احراز شرائط دیگر) دستش قطع می شود ولی اگر از لباس رویی باشد دستش قطع نمی شود:

- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ يُقَطَّعُ النَّبَاشُ وَ الطَّرَارُ وَ لَا يُقَطَّعُ الْمُخْتَلِسُ...

- - الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ صَيْحٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الطَّرَارِ وَ النَّبَاشِ وَ الْمُخْتَلِسِ فَقَالَ يُقَطَّعُ الطَّرَارُ وَ النَّبَاشُ وَ لَا يُقَطَّعُ الْمُخْتَلِسُ.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ: مَا تَضَمَّنَ هَذَا الْخَبَرُ وَ حَدِيثُ مَنْصُورٍ مِنْ أَنَّ الطَّرَارَ يُقَطَّعُ مَحْمُولٌ عَلَى أَنَّهُ إِذَا طَرَّ مِنَ الثَّوْبِ الْأَسْفَلِ فَأَمَّا إِذَا طَرَّ مِنَ الثَّوْبِ الْأَعْلَى فَلَا يَجِبُ قَطْعُهُ حَسَبَ مَا فَصَّلَهُ السَّكُونِيُّ وَ مِسْمَعُ أَبُو سَيَّارٍ فِي رَوَايَتَيْهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع. سند هر دو روایت صحیح است. الاختلاس به معنای به زور چیزی را از کسی گرفتن و غصب کردن است.

شیخ مشابه همین کلام را پس از نقل این اخبار در استبصار آورده است:

فَالْوَجْهُ فِي هَذَيْنِ الْخَبَرَيْنِ بِأَنَّ نَحْمِلَهُمَا عَلَى التَّفْصِيلِ الَّذِي تَضَمَّنَهُ الْخَبَرَانِ الْأَوَّلَانِ مِنْ أَنَّهُ إِذَا أَخَذَ الطَّرَارُ مِنَ الْقَمِيصِ الْفُوقَانِيِّ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ قَطْعٌ وَ إِذَا أَخَذَ مِنَ التَّحْتَانِيِّ وَجَبَ عَلَيْهِ ذَلِكَ

باید توجه داشت که در مقابل روایاتی که شیخ برای اطلاق قطع ید آورده روایتی داریم که به صورت مطلق قطع دست را از طرار نفی کرده است:

– أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ لَيْسَ عَلَى الطَّرَارِ وَالْمُخْتَلِسِ قَطْعٌ لِأَنَّهَا دَغَارَةٌ مُعْلَنَةٌ وَ لَكِنْ يُقَطَّعُ مَنْ يَأْخُذُ وَ يُخْفِي

اصحاب این روایات را تقيید زده‌اند به آن روایاتی که حکم مسأله را تفصیل داده‌اند یعنی روایت سکونی پیشین و روایت مسمع ابی سیار.

والحمد لله رب العالمين